

متن سوره مدثر با ترجمه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند رحمتگر مهربان

يَا أَيُّهَا الْمُدَّثِّرُ ﴿١﴾

ای جامه بر خود پوشیده! (۱)

قُمْ فَأَنْذِرْ ﴿٢﴾

برخیز و بیم ده، (۲)

وَرَبِّكَ فَكَبِّرْ ﴿٣﴾

و پروردگارت را بزرگ دار، (۳)

وَتِيَابِكَ فَطَهِّرْ ﴿٤﴾

و جامه ات را پاک کن، (۴)

وَالرُّجْزَ فَاهْجُرْ ﴿٥﴾

و از پلیدی دور شو (۵)

وَلَا تَمُنُّ بِتَسْتَكْبِرُ ﴿٦﴾

و [احسانت را بر دیگران] در حالی که [آن را] بزرگ و فراوان بینی، منت مگذار، (۶)

وَلِرَبِّكَ فَاصْبِرْ ﴿٧﴾

و [بر آزار دشمنان] برای پروردگارت شکیبایی ورز. (۷)

فَإِذَا نُقِرَ فِي النَّاقُورِ ﴿٨﴾

پس زمانی که در صور دمیده شود، (۸)

فَذَلِكَ يَوْمٌ مِّنْ يَّوْمٍ عَسِيرٍ ﴿٩﴾

آن روز، روز بسیار سختی است، (۹)

عَلَى الْكَافِرِينَ غَيْرُ يَسِيرٍ ﴿١٠﴾

بر کافران آسان نیست، (۱۰)

ذَرْنِي وَمَنْ خَلَقْتُ وَحِيدًا ﴿١١﴾

مرا با کسی که او را به تنهایی آفریدم واگذار، (۱۱)

وَجَعَلْتُ لَهُ مَالًا مَمْدُودًا ﴿١٢﴾

و برایش ثروت گسترده و فراوان قرار دادم، (۱۲)

وَبَنِينَ شُهُودًا ﴿١٣﴾

و فرزندانی که نزدش حاضرند (۱۳)

وَمَهَّدْتُ لَهُ تَمْهِيدًا ﴿١٤﴾

و نعمت ها [ی مادی و وسایل زندگی] را به طور کامل برای او فراهم آوردم،
(۱۴)

ثُمَّ يَطْمَعُ أَنْ أَزِيدَ ﴿١٥﴾

باز هم طمع دارد که بیفزایم. (۱۵)

كَلَّا إِنَّهُ كَانَ لِآيَاتِنَا عَنِيدًا ﴿١٦﴾

این چنین نیست؛ زیرا او همواره به آیات ما دشمنی می ورزد، (۱۶)

سَأُرْهِقُهُ صَعُودًا ﴿١٧﴾

به زودی او را به بالا رفتن از گردنه عذابی بسیار سخت مجبور می کنم.
(۱۷)

إِنَّهُ فَكَّرَ وَقَدَّرَ ﴿١٨﴾

او [برای باطل کردن دعوت قرآن] اندیشید و [آن را] سنجید؛ (۱۸)

فَقُتِلَ كَيْفَ قَدَّرَ ﴿١٩﴾

پس مرگ بر او باد، چگونه سنجید؟ (۱۹)

ثُمَّ قُتِلَ كَيْفَ قَدَّرَ ﴿٢٠﴾

باز هم مرگ بر او باد، چگونه سنجید؟ (۲۰)

ثُمَّ نَظَرَ ﴿٢١﴾

آن گاه نظر کرد، (۲۱)

ثُمَّ عَبَسَ وَبَسَرَ ﴿٢٢﴾

سپس چهره درهم کشید و قیافه نفرت آمیز به خود گرفت، (۲۲)

ثُمَّ أَدْبَرَ وَاسْتَكْبَرَ ﴿٢٣﴾

آن گاه [از قرآن] روی گردانید و تکبر ورزید؛ (۲۳)

فَقَالَ إِنَّ هَذَا إِلا سِحْرٌ يُؤْتَرُ ﴿٢٤﴾

پس گفت: این قرآن جز جادویی که از جادوگران پیشین حکایت شده چیزی نیست، (۲۴)

إِنَّ هَذَا إِلَّا قَوْلُ الْبَشَرِ ﴿٢٥﴾

این جز سخن بشر نمی باشد. (۲۵)

سَأُصَلِّيهِ سَقَرَ ﴿٢٦﴾

به زودی او را در سقر درآورم (۲۶)

وَمَا أَدْرَاكَ مَا سَقَرٌ ﴿٢٧﴾

و تو چه می دانی سقر چیست؟ (۲۷)

لَا تُبْقِي وَلَا تَذَرُ ﴿٢٨﴾

[آتش است که] نه چیزی را باقی می گذارد و نه رها می کند؛ (۲۸)

لَوَاحٍ لِّلْبَشَرِ ﴿٢٩﴾

پوست بدن را [همه جانبه] دگرگون می کند؛ (۲۹)

عَلَيْهَا تِسْعَةَ عَشَرَ ﴿٣٠﴾

بر آن نوزده نفر [موکل] گمارده اند (۳۰)

وَمَا جَعَلْنَا أَصْحَابَ النَّارِ إِلَّا مَلَائِكَةً ۖ وَمَا جَعَلْنَا عِدَّتَهُمْ إِلَّا فِتْنَةً لِلَّذِينَ كَفَرُوا لِيَسْتَيَقِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ وَيَزِدَّادَ الَّذِينَ آمَنُوا إِيمَانًا ۖ وَلَا يَزْتَابَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ وَالْمُؤْمِنُونَ ۖ وَلِيَقُولَ الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ وَالْكَافِرُونَ مَاذَا أَرَادَ اللَّهُ بِهَذَا مَثَلًا ۗ كَذَلِكَ يُضِلُّ اللَّهُ مَنْ يَشَاءُ وَيَهْدِي مَنْ يَشَاءُ ۗ وَمَا يَعْلَمُ جُنُودَ رَبِّكَ إِلَّا هُوَ ۗ وَمَا هِيَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْبَشَرِ ﴿٣١﴾

و ما موگلان آتش را جز فرشتگان قرار نداده ایم، و شماره آنان را جز آزمایشی برای کافران مقرر نکرده ایم تا اهل کتاب [به خاطر هماهنگی قرآن با کتابشان] یقین پیدا کنند و بر ایمان مؤمنان بیفزایند، و اهل کتاب و مؤمنان [در حقانیت قرآن] تردید نکنند، و تا بیمار دلان و کافران بگویند: خدا از توصیف گماشتگان آتش به این [نوزده نفر] چه هدفی دارد؟ این گونه خدا هر که را بخواهد [پس از بیان حقیقت] گمراه می کند و هر که را بخواهد هدایت می نماید، و سپاهیان پروردگارت را جز خود او کسی نمی داند، و این قرآن فقط مایه تذکر و پند برای بشر است. (۳۱)

كَلَّا وَالْقَمَرَ ﴿٣٢﴾

این چنین نیست [که کافران می پندارند که این حقایق افسانه است]، سوگند به ماه (۳۲)

وَاللَّيْلِ إِذْ أَدْبَرَ ﴿٣٣﴾

[و] سوگند به شب هنگامی که پشت می کند (۳۳)

وَالصُّبْحِ إِذَا أَسْفَرَ ﴿٣٤﴾

و سوگند به صبح زمانی که از پرده سیاه شب درآید و رخ نماید (۳۴)

إِنَّهَا لِأَحَدَى الْكُبْرِ ﴿٣٥﴾

که بی تردید این [قرآن] از بزرگ ترین پدیده هاست؛ (۳۵)

نَذِيرًا لِلْبَشَرِ ﴿٣٦﴾

هشدار دهنده به بشر است، (۳۶)

لِمَنْ شَاءَ مِنْكُمْ أَنْ يَتَقَدَّمَ أَوْ يَتَأَخَّرَ ﴿٣٧﴾

برای هر کس از شما که بخواهد [به وسیله ایمان، طاعت و انجام کار خیر]
پیشی جوید یا [به سبب کفر، طغیان و گناه] پس ماند؛ (۳۷)

كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ رَهِينَةٌ ﴿٣٨﴾

هر کسی در گرو دست آورده های خویش است، (۳۸)

إِلَّا أَصْحَابَ الْيَمِينِ ﴿٣٩﴾

مگر سعادت‌مندان (۳۹)

فِي جَنَّاتٍ يَتَسَاءَلُونَ ﴿٤٠﴾

که در بهشت ها از یکدیگر می پرسند (٤٠)

عَنِ الْمُجْرِمِينَ ﴿٤١﴾

از روز و حال گنهکاران، (٤١)

مَا سَلَكَكُمْ فِي سَقَرٍ ﴿٤٢﴾

[به آنان رو کرده] می گویند: چه چیز شما را به دوزخ وارد کرد؟ (٤٢)

قَالُوا لَمْ نَكُ مِنَ الْمُصَلِّينَ ﴿٤٣﴾

می گویند: ما از نمازگزاران نبودیم (٤٣)

وَلَمْ نَكُ نَطْعُمُ الْمَسْكِينِ ﴿٤٤﴾

و به تهیدستان و نیازمندان طعام نمی دادیم (٤٤)

وَ كُنَّا نَحُوضُ مَعَ الْخَائِضِينَ ﴿٤٥﴾

و با فرورفتگان [در گفتار و کردار باطل] فرومی رفتیم، (٤٥)

وَ كُنَّا نَكْذِبُ بِيَوْمِ الدِّينِ ﴿٤٦﴾

و همواره روز جزا را انکار می کردیم (٤٦)

حَتَّىٰ آتَانَا الْيَقِينَ ﴿٤٧﴾

تا آنکه مرگ ما فرا رسيد. (٤٧)

فَمَا تَنْفَعُهُمْ شَفَاعَةُ الشَّافِعِينَ ﴿٤٨﴾

﴿ پس آنان را شفاعت شفيعان سودی نمی دهد؛ (٤٨)

فَمَا لَهُمْ عَنِ التَّذْكَرَةِ مُعْرِضِينَ ﴿٤٩﴾

آنان را چه شده که از تذکر و هشدار روی گردانند؟ (٤٩)

كَأَنَّهُمْ حُمُرٌ مُّسْتَنْفِرَةٌ ﴿٥٠﴾

گویی گورخرانی وحشی و رمیده اند (٥٠)

فَرَّتْ مِنْ قَسْوَرَةٍ ﴿٥١﴾

که از [چنگال] شیری گریخته اند؛ (٥١)

بَلْ يُرِيدُ كُلُّ امْرِئٍ مِنْهُمْ أَنْ يُؤْتَىٰ صُحُفًا مُّنَشَّرَةً ﴿٥٢﴾

بلکه هر کدام از آنان توقع دارد نامه هایی سرگشاده [از سوی خدا] دریافت دارد! (٥٢)

كَلَّا ۖ بَلْ لَا يَخَافُونَ الْآخِرَةَ ﴿٥٣﴾

این چنین نیست [که علت فرارشان از دین برای دریافت نکردن نامه باشد] بلکه [فرارشان برای این است که] از آخرت نمی ترسند؛ (۵۳)

كَلَّا إِنَّهُ تَذَكِّرُهُ ﴿٥٤﴾

این چنین نیست [که نامه سرگشاده ای از سوی ما به آنان رسد]، بلکه بی تردید این قرآن تذکر و هشدار می است [که برای جهانیان کافی است]. (۵۴)

فَمَنْ شَاءَ ذَكَرْهُ ﴿٥٥﴾

پس هر که بخواهد از آن پند گیرد، (۵۵)

وَمَا يَذْكُرُونَ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ ۚ هُوَ أَهْلُ التَّقْوَىٰ وَأَهْلُ الْمَغْفِرَةِ ﴿٥٦﴾

و از آن پند نمی گیرند مگر آنکه خدا بخواهد، او سزاوار است که از وی پروا کنند، و سزاوار است که به آمرزشش امید بندند. (۵۶)

صدق الله العلي العظيم

راست گفت خداوند بزرگ و بلندمرتبه